



مطالعات ادبیات معاصر ایران
سال ۱، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷

صص. ۲۳-۴۰

تحلیل ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی اشعار حسین پناهی

امید انصاری کیا^۱

چکیده

حسین پناهی (۱۳۳۵-۱۳۸۴ ش) از شخصیت‌های ادبی و هنری نام‌آشنا در دوره معاصر است که در کنار آفرینش اشعار و نوشته‌های ادبی، در ساخت آثار هنری گوناگون، در سینما و تلویزیون، ایفای نقش کرده است. از این شخصیت ادبی و هنری، مجموعه‌شعرهایی چندگانه به یادگار مانده است که دربردارنده اشعاری زیبا و مؤثر از اوست. در این پژوهش که روشی توصیفی-تحلیلی دارد و داده‌های آن مأخوذ از اسناد و منابع کتابخانه‌ای است، ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی اشعار حسین پناهی، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد، تا میزان توجه به این حوزه‌ها، در شعر این شاعر و مهم‌ترین مسائل و موضوعات هر حوزه، مشخص شود. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که حسین پناهی، در اشعار خود، اهتمام ویژه‌ای به ساحت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی داشته است و مسائل و موضوعات متعدد و متنوعی از هر یک از این ساحت‌ها، در سروده‌های او بازتاب یافته است. در ساحت سیاسی، انتقاد از ناکارآمدی انتخابات در بهبود سرنوشت مردم، نبود دموکراسی، عدالت و آزادی در جامعه، از عمده مسائل و موضوعات مورد انتقاد حسین پناهی است. نارضایتی از فقر مادی و وضعیت معیشتی نامناسب مردم جامعه، و شرایط نامطلوب زندگی زنان، از مهم‌ترین مقولاتی است که در ساحت اجتماعی اشعار حسین پناهی دیده می‌شود. اعراض بشر از فرهنگ و هنر، و گرایش او به مسائلی غیر از آن، در اثر ظهور مدرنیته، از اصلی‌ترین مشغله‌های ذهنی حسین پناهی در ساحت فرهنگی است. باور به جهان پسامرگ هم از مسائل اعتقادی پُرسامد، در اشعار حسین پناهی است.

کلیدواژه‌ها

حسین پناهی، شعر، جامعه، فرهنگ، مبانی اعتقادی.

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

رایانامه: omid.barann1359@gmail.com

۱. مقدمه

حسین پناهی، از شاعران ایرانی معاصر است که در اشعارش سبک و سیاق خاص خود را دارد. این شاعر، در ششم شهریورماه سال ۱۳۳۵، در روستای دژکوه، از توابع شهر سوق، واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد، متولد شد (نک: حاذق‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸۶). او تحصیلات خود را تا دوره متوسطه، در شهر بهبهان گذراند و پس از آن، بنا به توصیه و درخواست پدرش، برای تحصیل در علوم دینی، به مدرسه آیت‌الله گلپایگانی، در شهر قم رفت. حسین پناهی پس از مدتی، برای ارشاد و راهنمایی مردم، به محل زندگی‌اش بازگشت (نک: پورمجیدی فتح و درخوش، ۱۳۹۷: ۷). اما با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، همراه با خانواده‌اش به تهران مهاجرت کرد و به سبب علاقه‌ای که به عرصه سینما، تلویزیون و تئاتر داشت، به تحصیل در دوره‌های مورد نیاز برای ورود به این عرصه‌ها پرداخت (نک: یوسفی و حکیم‌آذر، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

حسین پناهی، به عنوان بازیگر، در فیلم‌های سینمایی متعددی، به نقش‌آفرینی پرداخت و در این زمینه دو بار در سال‌های ۱۳۶۷ (بازی در فیلم «در مسیر تندباد») و ۱۳۷۱ (بازی در فیلم «مهاجران»)، نامزد دریافت جایزه جشنواره فیلم فجر، در بخش بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد. او همچنین در سال ۱۳۶۹، به خاطر بازی در فیلم «سایه خیال»، دیپلم افتخار جشنواره فیلم فجر را، در بخش بهترین بازیگر نقش اول مرد، از آن خود کرد. حسین پناهی، علاوه بر سینما، در عرصه تلویزیونی نیز، هم به عنوان بازیگر و هم به عنوان نویسنده و کارگردان، در ساخت آثار متعدد تلویزیونی، فعالیت داشت. این چهره ادبی و هنری، در زمینه نمایشنامه‌نویسی هم طبع آزمایی کرده است و در این حوزه هم دو نمایشنامه «سرودی برای مادران» (۱۳۹۳)، «دو مرغابی در مه» (مشمول بر دو نمایشنامه با عناوین: «دو مرغابی در مه» و «گوش بزرگ دیوار» (۱۳۹۴)، از او در دست است.

حسین پناهی، کار خود را در حوزه شعر، در سال ۱۳۷۴، با انتشار نخستین مجموعه شعرش، با عنوان «من و نازی»، آغاز کرد. پس از آن نیز، مجموعه شعرهای دیگری از این شاعر، با عناوین: «ستاره» (۱۳۷۵) (چاپ دوم، با عنوان «ستاره‌ها»، در سال ۱۳۸۶)، «فلاطون کنار بخاری» (۱۳۸۴)، «به وقت گرینویچ» (۱۳۸۴)، «سال‌هاست که مرده‌ام» (۱۳۸۴)، «سلام، خدا حافظ» (۱۳۸۴)، «کابوس‌های روسی» (۱۳۸۴)، «نامه‌هایی به آنا» (۱۳۸۴)، «می‌دانم‌ها» (۱۳۸۴)، «راه با رفیق» (۱۳۹۰)، و «نامه‌هایی به آنا ۲» (۱۳۹۳)، انتشار یافت.

حسین پناهی در چهاردهم مردادماه سال ۱۳۸۴، در تهران، در اثر ایست قلبی، درگذشت و مطابق وصیت خود، او را در گورستان شهر سوق به خاک سپردند (نک: حاذق‌نژاد، به نقل از یوسفی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸۴).

۱-۱. بیان مسئله

حسین پناهی از جمله شاعران معاصر است که جهان‌بینی موجود در شعرش، محدود به اغراض و مقاصد شخصی نیست؛ بلکه این شاعر کوشیده است تا از شعر، به‌عنوان ابزاری اصیل در راستای، مسائل جامعه، در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و... استفاده نماید. از این رو، شعر این شاعر، دارای قابلیت پژوهش و کندوکاو، از حیث حوزه‌های نامبرده است. در این پژوهش، ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی نمودیافته، در اشعار حسین پناهی، بررسی و تحلیل می‌شود تا بخشی از عقاید شخصی و فراشخصی و تعهدات این شاعر نسبت به جامعه خود، روشن شود. به تناسب این هدف، پرسش‌های پژوهش آن است که:

۱. حسین پناهی در اشعار خود، تا چه حد مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی را مطرح کرده است؟
۲. مهم‌ترین مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی مطرح‌شده، در اشعار حسین پناهی، کدام است؟

۲-۱. روش پژوهش

داده‌های این پژوهش، با روش مراجعه به اسناد و منابع کتابخانه‌ای، مطالعه در آن‌ها و فیش‌برداری از مطالب مورد نیاز و مرتبط با موضوع، تهیه شده است. در نهایت نیز، این داده‌ها، در بخش‌های مختلف مقاله، توصیف و تحلیل شده است. جامعه آماری و نمونه این پژوهش، ۱۰ مجموعه شعر از حسین پناهی است که تقریباً همه اشعار او را شامل می‌شود. این مجموعه شعرها، بر حسب ترتیب الفبایی، شامل: «فلاطون کنار بخاری» (۱۳۹۱: نشر آناپنا)، «به وقت گرینویچ» (۱۳۸۹: نشر دارینوش)، «سال‌هاست که مرده‌ام» (۱۳۸۵: نشر دارینوش)، «ستاره‌ها» (۱۳۸۶: نشر دارینوش)، «سلام، خدا/حافظ» (۱۳۸۴: نشر دارینوش)، «کابوس‌های روسی» (۱۳۹۲: نشر دارینوش)، «من و نازی» (۱۳۸۴: نشر دارینوش)، «نامه‌هایی به آنا» (۱۳۸۸: نشر دارینوش)، «نامه‌هایی به آنا ۲» (۱۳۹۳: نشر آناپنا)، و «می‌دانم‌ها» (۱۳۸۴: نشر دارینوش)، است. پس از بررسی این آثار، مفاهیم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی موجود در آن‌ها، استخراج و

عمده آن‌ها در ذیل چهار دسته، همراه با ذکر نمونه‌هایی شعری برای مفاهیم هر دسته، تبیین و تحلیل شده است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

پژوهش کنونی، از آن جهت اهمیت دارد که: ۱. می‌تواند با آشکارسازی مواضع و نگرش‌های حسین پناهی، در مورد مسائل مختلف جامعه، از طریق کندوکاو در حیطه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی شعر او، شناختی عمیق و گسترده از چهارچوب فکری و دیدگاه‌های این شاعر، در سطح اجتماعی، به دست دهد. ۲. می‌تواند با بررسی و تحلیل بخشی از اعتقادات حسین پناهی، تصویری کلی از شاکله بینش فردی او به دست دهد. و ۳. می‌تواند در معرفی بیش‌تر و بهتر شخصیت و شعر حسین پناهی مؤثر باشد.

۲. پیشینه پژوهش

پیش‌تر، پژوهشگران توجه چندانی به اشعار حسین پناهی نشان نمی‌دادند؛ اما اخیراً سروده‌های این شاعر، مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته و در ضمن پژوهش‌هایی چندگانه، ویژگی‌های متعددی از اشعار حسین پناهی تبیین و تحلیل شده است. حجم مقاله فعلی، اجازه معرفی مبسوط این پژوهش‌ها را نمی‌دهد، بنابراین، برای هر پژوهش، صرفاً: ۱. نام و نام خانوادگی پژوهشگر (ان)، ۲. سال انتشار، ۳. عنوان، و ۴. قالب پژوهش، در قالب جدول ۱، ارائه می‌شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. مشخصات چهارگانه پژوهش‌های مرتبط با اشعار حسین پناهی

ردیف	نام و نام خانوادگی پژوهشگر (ان)	سال انتشار پژوهش	عنوان پژوهش	قالب پژوهش
۱	آرش حاذق‌نژاد	۱۳۹۰	تحلیل عناصر زبانی شعر حسین پناهی از دیدگاه سبک‌شناختی	مقاله نشریه‌ای
۲	سید قادر لاهوتی و سید جعفر حمیدی	۱۳۹۱	نگاهی به کاربرد واژه دل در اشعار حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای
۳	یوسف نیکروز	۱۳۹۱	نوستالژی در شعر حسین پناهی	مقاله همایشی
۴	رمضان رهنوا	۱۳۹۳	بررسی سبک و درون‌مایه‌های اشعار حسین پناهی	پایان‌نامه کارشناسی ارشد
۵	محیا ترابی توران پشتی و محمدرضا حاجی‌آقا بابایی	۱۳۹۶	بررسی نوستالژی (غم غربت) در اشعار حسین پناهی	مقاله همایشی
۶	نجمه دری و احمد پیروزی	۱۳۹۶	شگردهای بیان نوستالژی در شعر حسین پناهی	مقاله همایشی
۷	حسین رضویان و مریم جلیلی دوآب	۱۳۹۶	بازتاب گویش لری در آثار حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای
۸	محمدجواد فرهی	۱۳۹۶	نگاهی روان‌شناختی به شخصیت و شعر حسین پناهی	مقاله همایشی
۹	معصومه هاشم‌پور و یوسف نیکروز	۱۳۹۶	هستی‌شناسی در اشعار حسین پناهی	مقاله همایشی
۱۰	مهدی پورمجیدی فتح و سید فایض درخوش	۱۳۹۷	باستان‌گرایی (آرکانیسم) در اشعار حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای
۱۱	عظیم یوسفی و محمد حکیم‌آذر	۱۳۹۷	بررسی و تحلیل سبک‌شناسی ادبی و فکری شعر حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای
۱۲	عظیم یوسفی	۱۳۹۸	بیان نوستالژیک حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای
۱۳	مهران صادقی گوغری	۱۳۹۹	بیان فلسفه بیگانگی از طریق هنجارگریزی معنایی در اشعار حسین پناهی	مقاله همایشی
۱۴	امید انصاری‌کیا	۱۴۰۰	تابوشکنی، تجسم، طنز و واژه‌آفرینی در حسین پناهی	مقاله همایشی
۱۵	مهران صادقی گوغری و دیگران	۱۴۰۱	آشنایی‌زدایی زبانی و بلاغی در شعر حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای
۱۶	مهران صادقی گوغری و دیگران	۱۴۰۱	جلوه‌های فلسفه، سینما و ادبیات جهان در شعر حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای
۱۷	امید انصاری‌کیا و فاطمه شکیب فرد	۱۴۰۲	کالبدشکافی محرومیت‌ها در اشعار حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای
۱۸	مهران صادقی گوغری و دیگران	۱۴۰۲	بررسی هنجارگریزی گویشی و برجسته‌سازی واژگان محلی در آثار حسین پناهی	مقاله نشریه‌ای

مطابق داده‌های موجود در جدول بالا، هنوز هیچ پژوهشی به «تحلیل ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی اشعار حسین پناهی»، نپرداخته است.

۳. بحث و بررسی

با مطالعه اشعار حسین پناهی، از نظر کاربرد مفاهیم و موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی، مشخص شد که سروده‌های این شاعر، سرشار از این گونه مفاهیم و موضوعات است. در ادامه جستار، به تشریح و تحلیل مفاهیم و موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی، در اشعار حسین پناهی، در قالب چهار بخش، پرداخته می‌شود.

۳-۱. بعد سیاسی

یکی از ویژگی‌های مهم شعر حسین پناهی، در آمیختگی آن با مفاهیم و موضوعات سیاسی است. در این زمینه، حسین پناهی، در اشعار خود، پاره‌ای از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل و موضوعات سیاسی را که با سرنوشت و زندگی مردم جامعه ارتباط مستقیم دارد، طرح کرده است و از این نظر شعر او، ارزش و اعتباری بالا دارد. حسین پناهی، در یکی از شعرهایش، به موضوع انتخابات، که یکی از زیربنایی‌ترین اصول سیاسی هر کشور و نظام است، می‌پردازد و از بی‌تأثیری آن، در سرنوشت مردم انتقاد می‌کند:

دو روز از اتمام انتخابات گذشته است
مردم به جبر همیشگی تاریخ
به ضمیر، تبدیل می‌شوند
و ضمیرها
با همه خوبی‌ها و بدی‌هاشان، خود را در هزار توی مصلحت
مستتر می‌کنند

ماهی‌های هراسان از انفجار دینامیت تبلیغات
دور می‌زند، کوسه وحشت در لایه بالای آب‌ها
و ماهی‌ها، هستند و نیستند
احساس می‌کنم به سردخانه‌ای، برای شناسایی یک جسد می‌روم
(پناهی، ۱۳۹۳: ۱۰۴)

حسین پناهی، از مفهوم دموکراسی سخن به میان می‌آورد. او در تشبیهی طنزآمیز، دموکراسی را مثل غذایی (پیتزا) می‌داند که با معده ما ناسازگار است و به نظر می‌رسد در قالب این بیان ادبی، از این که دموکراسی در معنای راستین خود، اجرا نمی‌شود، و بر مبنای آن برای حق انتخاب افراد ارزشی در نظر گرفته نمی‌شود، نالیده است:

دموکراسی، مثل پیتزا با معده ما ناسازگار است
هیچ حرمتی ندارد، آدمی

سبد بیاور و خورشید را زیر سبد پنهان کن

کجای شهرم؟

کجای تاریخ؟

کجای زمان؟

گریه کن

بر شبی که زمزمه می کردی به خیانت کلمات عربی را

صد متر دورتر از چادر رستم فرخزاد

(همان، ۱۳۸۸: ۵۳)

حسین پناهی، از دو مفهوم اساسی عدالت و آزادی که در ظاهر از تحقق آن ها سخن می رود؛ اما در حقیقت، جامعه شاهد رفتارهایی متضاد و متناقض با آن ها است و به همین دلیل، در حد یک شعار صرف باقی می ماند، با زبانی اعتراض آمیز و ناخشنودوارانه صحبت می کند:

ما از عدالت حرف می زنیم

برای درختان شعر می گوئیم

پرندگان را به استعاره، تمثیل آزادی می کنیم

پس، آن قمه چیست که در تاریکی برق می زند؟

تورها و سلاح خانه ها؟

و بی اعتمادی بر پیام پیامبران با کتاب بی کتاب

مقصر این همه هرج و مرج چیست؟

(همان، ۱۳۸۹: ۶۶)

حسین پناهی در رابطه با شعارزدگی در جامعه، در جایی دیگر می گوید:

زندگی ما، سراسر تضاد و تناقض است

آیا از آن رو نیست که فقط حرف می زنیم؟

(همان، ۱۳۸۵: ۳۶)

او در واقع در این جا می خواهد تفاوت فاحشی را که میان شعار و عمل وجود دارد و منجر به بروز بدترین تضادها و تناقض ها در جامعه شده است، نشان دهد.

تضاد و تناقض میان شعار و عمل، در رابطه با مفهوم عدالت، به میزانی است که حسین پناهی از بی عدالتی به وجود آمده، به ستوه می آید. از نظر او، هیچ نشانه ای از عدالت در زندگی افراد دیده نمی شود، و این مهم تنها در پدیده مرگ است که نمود می یابد:

...

از شهری به شهری

زیر آسمان وطنی که در آن

فقط مرگ را

به مساوات تقسیم کرده‌اند

(همان، ۱۳۸۴ ج: ۹۷)

حسین پناهی از نبود آزادی نیز آزاده‌خاطر است. او در شعری طنزآمیز، سطح پایین آزادی و یا درکل، فقدان آن را در جامعه، این‌گونه به تصویر می‌کشد:

سگ‌های ولگرد

موس موس‌کنان پشت در اتاقم آمده‌اند

تا به من بفهمانند

که شب سرد از نیمه گذشته است

در حیاط بی‌حصار خانه من

سگ‌ها، این قدر آزادی دارند

که توله‌هایشان را بلیسند

(همان، ۱۳۸۶: ۷۱)

۳-۲. بعد اجتماعی

شعر حسین پناهی را باید شعری اجتماعی دانست که از انعکاس مسائل و مشکلات اجتماعی مختلف، در عصر شاعر، فروگذار نبوده است. گویا او در این زمینه، برای خود رسالتی بزرگ قائل بوده است. تا جایی که در یکی از شعرهایش از تعهد اجتماعی شاعر و مسئولیتی که در برابر مسائل گوناگون جامعه دارد، سخن به میان آورده است. از نظر او، شاعر باید بر تمام مشکلات و مسائل جامعه اشراف داشته باشد تا بتواند نسبت به آن‌ها واکنش و موضع‌گیری مناسب و مؤثر داشته باشد:

شاعر، باید مسافت اتوبان‌ها را از بر باشد

شاعر، باید بداند خشاب کلاشینکف

چند فشنگ می‌خورد

شاعر باید بداند باجناغ وزیر سابق کیست

و کاربرد ماشین، چند پیچ و سرپیچ دارد

(همان، ۱۳۸۴ ب: ۸۱)

از مهم‌ترین مسائل اجتماعی موجود در شعر حسین پناهی، مسئله فقر و آسیب‌های جانبی آن است. حسین پناهی بارها این موضوع را در مقام معضلی ریشه‌ای و عمیق، در شعر خود بازنمایی کرده است. گویا او بر این باور بوده است که اقتصاد و رفاه، زیربنای زندگی افراد در هر جامعه‌ای است و اگر در جامعه‌ای فقر حاکم شود، سایر وجوه زندگی نیز تحت تأثیر آن قرار

می‌گیرد. او در شعری اجتماعی، از خانواده و جامعه‌ای حرف می‌زند که لجام‌گسیخته و در اوج درماندگیست. این شاعر برای تشریح عمیق این لجام‌گسیختگی و درماندگی، به گریختن زنش به دبی، درگیری با صاحبخانه‌اش و شکستن فک او، سرکاربودن دخترش تا دیرقت، و... اشاره می‌کند. درواقع حسین پناهی خواسته است با این تصاویر و تعبیر بکر و بدیع، اوج فقر و فلاکت را به‌عنوان یک پدیدهٔ مخرب اجتماعی، برای مخاطب تداعی کند:

چند بهشت و جهنم، زندگی مرا جبران خواهد کرد؟
 زخم به دبی گریخته است
 فک صاحب‌خانه‌ام را شکسته‌ام
 و با وجودی که ساعت از دوی نیمه‌شب گذشته است
 هنوز دختر بزرگم از سرکار برنگشته است
 آه

دست‌های نحیف لرزان
 جیغ‌های صبحگاهی
 حراج ارزش‌ها، در پیاده‌روهای ممنوعه
 صورت‌های زرد
 باید درز شلوار پسر کوچکم را بدوزم
 و خود، در آشغال‌ها، دنبال ته سیگاری نیمه بگردم
 (همان، ۱۳۸۴ ج: ۴۲)

در رابطه با مشکلات اقتصادی و پایین‌بودن سطح رفاه افراد جامعه، حسین پناهی در شعری دیگر، با ذکر مواردی از کمبودها، فقر و نداری و فضای تأسفانگیز ناشی از آن را به‌زیبایی، به تصویر کشیده است:

به صراحت، قسم می‌خورم
 که خوشبخت‌ترین خانواده در دامنهٔ البرز بودیم
 اطو نداشتیم، همیشه بوی تاید و سرما می‌دادیم
 به وقت پخش اخبار، با نمایش‌های تلویزیونی‌ام
 شما ساکت می‌شدید
 بی آن‌که از اخبار و نمایش چیزی بفهمید
 (همان، ۱۳۹۳: ۶۲)

او در شعری دیگر، همین موضوع محرومیت‌های اقتصادی و معیشتی را با بیانی دیگر تکرار می‌کند:

در یازده سالگی، پا به دنیای شگفت کفش نهاد

با سر تراشیده و کت بلندی که از زانویش می‌گذشت
 با بوی کندهٔ بدسوز نفت عرق‌های کهنه
 آری دلم
 گلم
 این اشک‌ها، خون‌بهای عمر رفتهٔ من است
 میراث من
 (همان، ۱۳۸۸: ۲۶)

حسین پناهی برای آن‌که هجمهٔ فقر و درماندگی و مشغلهٔ فکری مربوط به آن را نشان دهد، با بهره‌گیری از تمثیلی عامیانه، می‌گوید که عیال‌واری و فقر در زندگی او به اندازه‌ای بوده است که حتی فرصتی کوتاه به او نداده است تا بتواند موی سر خود را شانه کند:
 سر، شانه نکردم که عیال‌وار بودم و فقیر
 (همان، ۱۳۸۹: ۳۹)

حسین پناهی در یکی از شعرهایش، مسئلهٔ تعدد همسران برخی افراد را پیش می‌کشد؛ مسئله‌ای که خود با چالش شکل‌گیری خانواده‌های پرجمعیت و مشکلات مربوط به تقسیم ارث در آن‌ها همراه است. درحقیقت حسین پناهی در این شعر بی‌برنامگی و بی‌دانشی والدین در تولید مثل را که منجر به پایین آمدن سطح کیفی رفاه در زندگی خانواده و فرزندان می‌شود، مورد انتقاد قرار می‌دهد:

پدران هوس‌باز
 فرزندان خود را در تقسیم ارثیه
 به دردسر می‌اندازند
 خشمم مال تو که بزرگ‌تری
 و صبرم مال تو
 و تکه زمینم سهم خواهرتان
 در فاصلهٔ پنجاه سال، سه زن را آبستن می‌کنند
 و نمی‌شمارند بچه‌های خود را
 اولی مرا زایید
 دومی برادرم را و سومی خواهرم ترانه را
 مادرم، با تک‌دندان بزرگش
 همه چیز را در رؤیایی نورانی تعریف کرده است
 ...
 این است تصویری که از مادر به خاطر سپرده‌ام

نمی‌خندید و نمی‌گریید چون سنگ

(همان، ۱۳۸۵: ۶۵)

حسین پناهی در شعر زیر که ترجمان دقیقی از فقر و عواقب آن است، ابتدا فقر را مانعی در پیشرفت جامعه دانسته است. زیرا به‌زعم او انسان تا گرسنه باشد، تنها به تأمین نان برای رفع گرسنگی می‌اندیشد و هیچ مسئله دیگری در ذهن و اندیشه او جایی ندارد. او در ادامه، شدت فقر را به‌قدری می‌داند که شرافت را از زندگی انسان سلب می‌کند، به‌گونه‌ای که برای حفظ شرافت انسان مرگ را به او پیشنهاد می‌دهند، زیرا این شرافت در چنین زندگی فلاکت‌باری هرگز محقق نخواهد شد. به اعتقاد حسین پناهی، مرگ انسان تنها با مردن او اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه هر نوع نیاز اولیه‌ای که فقر، انسان را از دستیابی به آن منع کند، به‌منزله یک نوع مرگ است:

تا گرسنه‌ای

همه مشغله ذهنتان، نان خواهد بود

و آنان می‌دانند که سال سختی‌ست

که سال‌ها

سخت‌اند

برای ادامه یک زندگی شرافتمندانه

مرگ را پیشنهاد می‌کنند

و مرگ، مردن نیست

و مرگ تنها، نفس نکشیدن نیست

من مردگان بی‌شماری را دیده‌ام

که راه می‌رفتند

حرف می‌زدند

سیگار می‌کشیدند

و خیس از باران

انتظار و تنهایی را درک می‌کردند

...و

آنان معتقدند قلع و قمع بیدهای بی‌ثمر

خیانت به تاکستان و سیب‌ها و سایه‌ها و چشم‌هاست

(همان، ۱۳۹۱: ۵۰)

حسین پناهی در برخی از شعرهای خود، رویکردی زن‌مدارانه در پیش گرفته است و از برخی حقوق پایمال‌شده زنان انتقاد می‌کند. او شرایط اجتماعی نامناسب حاکم بر زندگی زنان را این‌گونه توصیف می‌کند:

و زنانی

که همیشه زیر بار

جز با صدا، شناختشان محال است

(همان، ۱۳۸۴ ج: ۷۸)

او معضل خودفروشی دختران و زنان را که ریشه در فقر آنان دارد، به شکلی تأسفبار نشان داده است:

مک می‌زند پستان چندی آور پیرمردی را، شانزده‌ساله دختری

به ازای یک چک با اعداد سه رقمی

در شب‌های ناتمام تیغ و رگ و لرزش

(همان، ۱۳۹۲: ۷۰)

حسین پناهی در شعری، ناتوانی در تأمین جهیزیه دختران را به‌عنوان یکی از مظاهر فقر مادی، عاملی می‌داند که تبعات اجتماعی به همراه دارد و آن بی‌رونقی عشق و ازدواج است:

وحشت جهیزیه، عشق را زیر سؤال می‌برد

(همان، ۱۳۸۵: ۶۰)

حسین پناهی در ترسیم فقر زنان، محتوای کیف آنان را که می‌تواند نمادی از مادیات و نشانگر وضع مالی زنان باشد، این‌گونه نشان می‌دهد:

بیپوده، کیف‌هایشان را نکاوید

که در آن چیزی درخور نمی‌یابید

کتاب کهنه‌ای به امانت

چند سکه و دو اسکناس مچاله

ته لاک‌بی‌رنگ

و چند دستمال سفید

سه بار در هفته مسواک می‌زنند

و چهار تا پنج بار گریه می‌کنند

(همان، ۱۳۹۲: ۵۸)

۳-۳. بعد فرهنگی

حسین پناهی اگر چه در زمینه مسائل فرهنگی، در شعر خود پاره‌ای از مبانی فرهنگی محلی و ملی را به کار گرفته است؛ اما آن‌چه که از این نظر در شعر او قابل اعتنا است، چشم‌اندازی جهانی است که این شاعر در رابطه با مقوله فرهنگ دارد. او در این زمینه، با نگرشی وسیع و فراملی، پا را از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌گذارد و بر اهمیت و نقش حیاتی عنصر فرهنگ در زندگی بشر،

تأکید می‌کند. حسین پناهی، در یکی از شعرهای ارزشمند خود، از فرانسه، به‌عنوان مهد زایش مکاتب هنری، یاد می‌کند و بلافاصله تأسف خود را از این که آدامس، جای قلم را گرفته و ارزش‌ها، بی‌ارزش شده‌اند، اظهار می‌دارد. این شاعر، در ادامه، با تعریضی رندانه و حکیمانه می‌گوید که به جای دست‌ها، پاها ارزش یافته است و بدین شکل، نارضایتی خود را نسبت به برتری جایگاه ورزشکاران بر هنرمند، آشکار می‌سازد:

از فرانسه، نومیدم که در قرن نوزدهم و بیستم

مهد زایش مکاتب هنری

در شعر و نقاشی و رمان و فرهنگ بود

ولی به ناگهان، قلم‌ها به دور انداخته شد

آدامس، جای آن‌ها را گرفت

ژان پل سارتر

ژاک پره ور

سیمون دوبوار

فلویر ویکتور هوگو

قهرمانان ملی فرانسه که فخر دوران بودند

به پیرس و هانری و زیدان و پلاتینی تبدیل شدند

به جای دست‌ها

پاها ارزش یافته

(همان، ۱۳۸۶: ۴۴)

حسین پناهی در شعری دیگر، با همان مشغله ذهنی خود در باب فرهنگ، از جامعه‌ای سخن می‌گوید که مظاهر مدرنیته، نظیر بورس، پاسپورت و امتیازات ملی، ارکان حیاتی آن هستند. البته این شاعر در عناد با مدرنیته و دیگرگونی جوامع بشری نیست؛ بلکه به‌شدت از نزول سیر اندیشه و دانش در مقابل ابعاد جسمانی انسان، هراسان است:

کار به جایی رسیده است که ترک‌های ترکیه

حاضرند پول زندگی هزار ناظم حکمت را

برای خرید یک وزنه‌بردار به تربیت‌بدنی‌شان تقدیم کنند

با حقوق ماهیانه خداتومن

تا از قافله بورس عقب نمانده باشند

در کسب امتیازهای ملی

غرضی نیست

حسادت نمی‌کنم

به خداوندی خدا منظورم ارزانی اندیشه است و بی اعتباری فکر

یعنی پاسپورتی که بدون آن

کلاغ‌ها، هم به جمع خود، راهمان نمی‌دهند

(همان، ۱۳۹۲: ۸۲)

حسین پناهی در شعر زیر نیز، همان چالش فرهنگی را که گریبانگیر بشر شده است، پیش

می‌کشد. چالشی که بر مبنای آن، مقوله فرهنگ در برابر مقوله ورزش، بی‌رونق شده است:

شاید بیلیارد برای مردم سوئیس که در اوج رفاه

بیش‌ترین آمار خودکشی را دارند

بهتر از خواندن رمان سقوط آلبر کامو باشد

دانشگاه هاروارد در برابر فیفا و فیلا کم آورده است

سانترهای دیوید بکهام

از طرح بود و نبود شکسپیر قابل تأمل‌تر شده است

ظاهراً هنوز سنی از عمر بشر نگذشته است

هنوز در حال تجربه‌ایم

(همان، ۱۳۸۴ ب: ۷۰)

۳-۴. بعد اعتقادی

از بطن برخی شعرهای حسین پناهی، پاره‌ای از مبانی اعتقادی او به‌خوبی قابل دریافت است. در این بخش، موضوع اعتقادی مهم جهان پس از مرگ و مباحث پیرامونی آن، از دیدگاه حسین پناهی، بر مبنای برخی از شعرهای او تحلیل می‌شود. حسین پناهی در شعری که با مسئله هنر و خدمت آن به بشر، آغاز می‌شود، در ادامه به‌گونه‌ای صحبت می‌کند، که انگار منکر وجود جهان پس از مرگ است:

هنر، اگر هیچ خدمتی به بشر نکرده باشد

ثابت کرده است

توافق بین شاعر و قدرت، از محالات است

درست مثل عالم بعد از مرگ

(همان، ۱۳۸۴ ج: ۴۰)

اما این شاعر، در جایی دیگر، با به‌کارگیری اصطلاحات جهنم و کفن، نشان می‌دهد که به

زندگی پس از مرگ معتقد است و بدین ترتیب، عبارت قبلی او درباره عدم وجود جهان پس از

مرگ، با صراحتی که در این سروده موجود است، نقض می‌شود:

از کفنم، مراقبت خواهم کرد

وقتی مرا به جهنم بردند
با دغال انگشتانم
برایت نامه‌ای خواهم نوشت
(همان، ۱۳۸۵: ۳۹)

حسین پناهی، در شعری دیگر، دو اصطلاح اعتقادی بهشت و قبر را مورد استفاده قرار می‌دهد
که باز می‌تواند گواهی بر باورمندی او به جهان پس از مرگ باشد:

...
هر کسی، چیزی داشت
چکمه، یک جفت
زن و فرزند، هفت تا
...

چشم‌ها را بستم، گفتم: دوستان، روحتان شاد و بهشت ابدی، مأواتان
...

دوستان، همه، راحت باشید
چکش و میخ فراوان داریم
و اطاق بی‌میخ یعنی قبر
(همان، ۱۳۸۴ الف: ۷۸)

اعتقاد به آمرزش الهی و بخشش گناهان هم، وجه دیگری از منظومه اعتقادی حسین پناهی
است که در شعر زیر متبلور شده است:

برای اعتراف به کلیسا می‌روم
رودرروی علف‌های روییده
بر دیواره کهنه می‌ایستم
و همه گناهان خود را اعتراف می‌کنم
بخشیده خواهم شد به یقین
زیرا علف‌ها
بی‌واسطه با خدا حرف می‌زنند
(همان، ۱۳۸۴ ج: ۵۴)

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، اشعار حسین پناهی، از نظر توجه به مسائل و موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی، از نظر گذرانده شد. دستاورد پژوهش مبین آن است که شعر حسین پناهی،

پیوستگی و ارتباط عمیقی با چهار حوزه یادشده دارد و مفاهیم و موضوعات هر یک از این حوزه‌ها، به‌میزانی قابل توجه، در سروده‌های حسین پناهی مورد طرح و توجه قرار گرفته است. بر این اساس حسین پناهی را باید شاعری اجتماعی دانست که هرگز مسئولیت خود را نسبت به نابه‌سامانی‌های سیاسی و اجتماعی و بازخورد آن در زندگی مردم، از یاد نبرده است؛ بلکه با انعکاس وسیع این نابه‌سامانی‌ها در شعرهایش، درصدد مبارزه با آن‌ها بوده است. حسین پناهی، پاره‌ای از اندیشه‌های فرهنگی ارزشمند خود را نیز، در لابه‌لای شعرهایش منعکس کرده است و مطابق آن شناخت نگرش فرهنگی این شاعر، امکان‌پذیر است. نیز در بطن برخی از شعرهای حسین پناهی، پاره‌ای از عناصر اعتقادی این شاعر نمود یافته است که در شناخت بینش اعتقادی او مؤثر است. بی‌تأثیری انتخابات در زندگی مردم، نبود دموکراسی، بی‌عدالتی و عدم آزادی، در جامعه، از مهم‌ترین مقولات سیاسی است که حسین پناهی از آن‌ها انتقاد کرده است. در حوزه مسائل اجتماعی، مهم‌ترین مسئله‌ای که در اشعار حسین پناهی بازتاب یافته است، فقر اقتصادی و سوءعواقب آن در جامعه و نیز، برخی از مشکلات زنان است. در بعد فرهنگی، حسین پناهی از کاهش اعتبار فرهنگ و هنر در برابر برخی از مظاهر مدرنیته، در زندگی بشر، ابراز ناخرسندی می‌کند. باورمندی به حیات پس از مرگ، نیز، از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتقادی موجود در اشعار حسین پناهی است.

کتابنامه

۱. پناهی، حسین (۱۳۸۴ الف)، سلام، خدا حافظ، تهران: دارینوش.
۲. پناهی، حسین (۱۳۸۴ ب)، من و نازی، تهران: دارینوش.
۳. پناهی، حسین (۱۳۸۴ ج)، نمی‌دانم‌ها، تهران: دارینوش.
۴. پناهی، حسین (۱۳۸۵)، سال‌هاست که مرده‌ام، تهران: دارینوش.
۵. پناهی، حسین (۱۳۸۶)، ستاره‌ها، تهران: دارینوش.
۶. پناهی، حسین (۱۳۸۸)، نامه‌هایی به آنا، تهران: دارینوش.
۷. پناهی، حسین (۱۳۸۹)، به وقت گرینویچ، تهران: دارینوش.
۸. پناهی، حسین (۱۳۹۱)، افلاطون کنار بخاری، تهران: آناپنا.
۹. پناهی، حسین (۱۳۹۲)، کابوس‌های روسی، تهران: دارینوش.
۱۰. پناهی، حسین (۱۳۹۳)، نامه‌هایی به آنا «۲»، تهران: آناپنا.

۱۱. پورمجیدی فتح، مهدی و درخوش، سید فایض (۱۳۹۷)، «باستان‌گرایی (آرکائیسم) در اشعار حسین پناهی»، پژوهشنامه / اورمزد، س ۱۱، ش ۴۴، صص ۴-۲۲.
۱۲. حاذق‌نژاد، آرش (۱۳۹۰)، «تحلیل عناصر زبانی شعر حسین پناهی از دیدگاه سبک‌شناختی»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، س ۷، ش ۱۲، صص ۸۵-۱۱۰.
۱۳. یوسفی، عظیم؛ حکیم‌آذر، محمد؛ و نیکخواه، مظاهر (۱۳۹۸)، «بیان نوستالژیک حسین پناهی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، س ۱۰، ش ۳، صص ۱۸۳-۲۰۲.
۱۴. یوسفی، عظیم و حکیم‌آذر، محمد (۱۳۹۷)، «بررسی و تحلیل سبک‌شناسی ادبی و فکری شعر حسین پناهی»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۱۲، ش ۲، صص ۹۹-۱۱۸.

References

1. Hazeq Nezhad, A. (2011), "Analysis of Linguistic Elements in Hossein Panahi's Poetry from the Perspective of Stylistics", *Journal of Studies in Culture and Literature*, 7 (12), 85- 110.
2. Panahi, H. (2005 a), *Hello, Goodbye*, Tehran: Dārinoosh.
3. Panahi, H. (2005 b), *Me and Nazi*, Tehran: Dārinoosh.
4. Panahi, H. (2005 c), *Things I Don't Know*, Tehran: Dārinoosh.
5. Panahi, H. (2006), *The Years I Am Dying*, Tehran: Dārinoosh.
6. Panahi, H. (2007), *I Have Been Dead for Years*, Tehran: Dārinoosh.
7. Panahi, H. (2009), *Letters to Ana*, Tehran: Dārinoosh.
8. Panahi, H. (2011), *Greenwich Mean Time*, Tehran: Dārinoosh.
9. Panahi, H. (2012), *Plato by the Heater*, Tehran: Ānāniyeh.
10. Panahi, H. (2013), *Russian Nightmares*, Tehran: Dārinoosh.
11. Panahi, H. (2014), *Letters to Ana "2"*, Tehran: Ānāniyeh.
12. Pourmajidi-e Fath, M., & Khoshdal, S.F. (2018), "Metaphorical Aspects in the Poems of Hossein Panahi", *Pazhuheshnameh Avardmand*, 11 (44), 4- 22.
13. Yousefi, A., & Hakim-Azar, M. (2018), "A Study and Stylistic Analysis of Literary and Intellectual Aspects of Hossein Panahi's Poetry", *Stylistics of Persian Prose and Poetry (Bahar Adab)*, 12 (2), 99- 118.
14. Yousefi, A.; Hakim-Azar, M.; & Nikkhah, M. (2019), "A Nostalgic Review of Hossein Panahi's Poems", *Researches in Literary Criticism and Stylistics*, 10 (3), 183- 202.

Research article
Received: 04/01/2025
Accepted: 04/27/2025
pp. 23- 40



*Contemporary Iranian
literature studies*
Vol. 1, No. 4, Winter 2025

Analysis of the Political, Social, Cultural, and Belief Dimensions of Hossein Panahi's Poems

Omid Ansari Kiya²

Abstract

Hossein Panahi (1956- 2005) was a well-known literary and artistic figure in the contemporary era. In addition to creating poems and literary writings, he has also made significant contributions to cinema and television. Panahi has left behind several collections of poems that contain beautiful and impactful works. This research, utilizing a descriptive-analytical method with data sourced from library documents and other references, aims to explore the political, social, cultural, and belief dimensions of Panahi's poems. The study seeks to determine the extent to which the poet addresses these areas and identify the most important issues and topics within each domain. The findings reveal that Panahi's poems reflect a deep engagement with political, social, cultural, and religious themes. He critiques the inefficacy of elections in improving people's lives, as well as the lack of democracy, justice, and freedom in society. Panahi also highlights issues such as material poverty, inadequate living conditions, and the challenges faced by women in society. His work delves into humanity's relationship with culture and art in the face of modernity, emphasizing the importance of these aspects. Additionally, Panahi frequently explores religious themes, particularly belief in the afterlife, in his poems.

Key words

Hossein Panahi, poetry, society, culture, religious foundations.

1. PhD of Persian Language and Literature, Persian Language and Literature Department, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
Email: omid.barann1359@gmail.com